



قدرتی که خودش را می‌بلعد



سرمقاله

راهبردی‌اند؛ مصرف بی‌محابای قدرت. قدرتی که به جای مدیریت شدن، به نمایش گذاشته می‌شود؛ به جای ایجاد ثبات، صرف بحران‌سازی و بی‌ثبات‌سازی می‌گردد؛ و به جای تقویت مشروعیت، آن را تحلیل می‌برد. قانون سیاست روشن است: هرگاه قدرت از چارچوب عقلانیت بیرون رود و به ابزار افراط تبدیل شود، بذر ضعف آینده را در زمین امروز می‌کارد. رهبران و ملت‌ها باید این حقیقت ساده اما بنیادین را از یاد نبرند؛ هیچ قدرتی حتی اگر بزرگ باشد در برابر فرسایشی که خود ایجاد می‌کند دوام نمی‌آورد. پیروزی‌های نمایشی امروز، اگر بر زور بی‌پایه‌ی افسارگسیخته تکیه کنند، فردا هزینه‌هایی بسیار بزرگ بر جای خواهند گذاشت. هرگاه قدرت به ظلم و افراط روی آورد، خود بذر نیرویی را می‌کارد که روزی بر خود او غلبه خواهد کرد. قدرتی که بی‌محابا مصرف شود، دیر یا زود خود را می‌بلعد. ■

است سال‌ها بر سیاست آمریکا سنگینی کند. ترامپ در سال نخست دوره ریاست جمهوری‌اش همان سیاست دیرینه قدری آمریکا را این بار آشکارتر و بی‌پرده دنبال می‌کند. اما اتکای افراطی او به فشار، تهدید و نمایش قدرت در دوره‌ای که آمریکا با شبکه‌ای از بحران‌های انباشته روبه‌روست، نه دستاوردی به همراه آورده و نه هیمنه جهانی آمریکا را ترمیم کرده است. شکست‌های پی‌درپی در پرونده‌هایی چون اوکراین، چین، تایوان، ایران و غزه و همچنین واکنش منفی کشورهای آمریکای لاتین به عملیات «نیزه جنوبی» علیه ونزوئلا نشان می‌دهد که این سیاست ناکارآمد بوده است. اتکای بیش‌ازحد ترامپ به تهدید، تحریم و فشار، نه تنها نتیجه نداده بلکه روند فرسایش اعتبار و نفوذ آمریکا را شتاب داده است. رژیم صهیونی و ترامپ هر دو گرفتار یک خطای

توان نظامی و ابزارهای فشار خود تکیه کرده است. این رویکرد، هرچند در لحظه ممکن است برتری میدانی ایجاد کند، اما هزینه‌ی آن در افکار عمومی جهانی و حتی در امنیت درازمدت خود این رژیم، به‌تدریج نمایان خواهد شد. آنچه امروز به‌ظاهر قدرت به نظر می‌رسد، در عمل به فرسایش سرمایه سیاسی این رژیم منجر شده و شکاف‌های جدیدی در جایگاه بین‌المللی آن ایجاد کرده است. قدرتی که به جای تولید امنیت، خود به منبع بی‌ثباتی تبدیل شده است. در سوی دیگر، دونالد ترامپ با استفاده بیش از اندازه از اهرم‌های قدرت آمریکا، چه در سیاست خارجی و چه در تعاملات داخلی، نمونه‌ای از فرسایش سرمایه سیاسی را به نمایش گذاشته است. اتکای بی‌وقفه به فشار و نمایش قدرت، بدون توجه به محدودیت‌ها و پیامدها، میراثی از شکاف‌ها و بی‌اعتمادی‌ها به جا گذاشته که اثرات آن ممکن

< قدرت در سیاست، اگر از مرز تعادل عبور کند، از یک ظرفیت راهبردی به یک تهدید درونی تبدیل می‌شود. در دنیای سیاست، قدرت همچون شمشیری دولبه است؛ ابزاری که می‌تواند امنیت و نفوذ ایجاد کند، اما اگر بی‌مهار و افراطی به کار رود، به تدریج پایه‌های خود را فرسوده می‌سازد. تاریخ بارها نشان داده که استفاده بیش از حد از زور و قدرت در کوتاه‌مدت، گرچه ممکن است کنترل بیشتری به همراه آورد و برتری‌های میدانی یا تاکتیکی ایجاد کند، اما در بلندمدت اعتماد، مشروعیت، پایداری، ثبات و توان واقعی آن قدرت را فرسوده می‌کند. این یک قانون نانوشته اما تکرارنشونده در تاریخ سیاست است؛ قانونی که امروز بیش از هر زمان دیگری خود را آشکار کرده است. امروز، نمونه‌های این واقعیت را در دو سوی جهان می‌توان دید. رژیم صهیونیستی، در غزه و خاورمیانه، بیش از حد به

ﷻ الله اکبر؛ این صدای ملت ایران است که می‌شنوید. ما ایستاده‌ایم؛ تا آخرین نفس ایستاده‌ایم. ما برای این خاک، برای این عقیده، برای این آرمان می‌جنگیم تا آخرین قطره خون، تا آخرین نفس. ای نیروهای مسلح! بدانید ما پشت شما هستیم و در کنار شما و در صفوف شما خواهیم جنگید. من به عنوان

یکی از معلمین این جامعه پشت شما می‌ایستم و در کنار شما می‌جنگم و به فرزندانم و شاگردانم توصیه می‌کنم پشت شما بایستند و آنها نیز می‌ایستند. ما نمی‌ترسیم؛ ما جز خدای بزرگ از کسی نمی‌ترسیم. این صدای ملت ایران است، زنده است، زندگی جاریست.

پیام صوتی خانم
Narges
 نبروهای مسلح ایران

سازمان مجاهدین
 دین سرخس، عزت بزرگ است

فرزند ایران

سنگ صبور مادر

< مادر روی گل‌های لاله‌ی نقاشی شده روی سنگ قبر دست می‌کشد. اشک می‌ریزد و سرش را با افسوس تکان می‌دهد: «علیرضا ۳۳ سال داشت. سنگ صبور بود. بیشتر روزها می‌نشستم و با هم حرف می‌زدیم. خیلی پسر خوب و مهربانی بود. بزرگ و کوچک دوستش داشتند. ناراحت هم که می‌شد، می‌خندید. خیلی بچه‌ی مظلوم و دلسوزی بود. همیشه کمک حال من و پدرش و همه‌ی فامیل بود. شانزده سالش بود که برادرش محمدرضا دنیا آمد. علیرضا اسمش را انتخاب کرد. خیلی برادرش را دوست داشت و حمایتش می‌کرد. حتی به او پول توجیبی هم می‌داد. او را با خودش کربلا هم برد.» از شدت گریه شانه‌های زن می‌لرزند. دخترش او را آرام می‌کند. مادر می‌گوید: «(۲۳ خرداد که مجتمع مسکونی شهید چمران را زدند، پسرهای شهید شدند. در معراج‌الشهدا که تابوت‌ها را آوردند بچه‌ها آرام‌توی تابوت خوابیده بودند. روی سر علیرضا سربند فاطمه الزهرا بود. صورت علیرضا سالم بود، اما محمدرضا یک طرف صورتش نبود. قطعه‌ی ۴۲ بهشت زهرا، بین الحرمین من است. پسرهایم سریلندم کردند. در یک شب مادر دو شهید شدم.» زن روی اسم شهید علیرضا نادر خمسه که بر سنگ سفید مزار حک شده است، دست می‌کشد. گویی که چهره‌ی فرزندانش را نوازش می‌کند. < سیده اعظم‌الشریعه موسوی

بنی آدم اعضای یکدیگرند

یک ایران، همدل است

بزرگداشت یاد شهدای اخیر و برگزاری نمایشگاه دستاوردهای ایران بعد از جنگ ۱۲ روزه در جریان برگزاری یادواره شهدای مهرانشهر شهریار در مسجد جامع شهریار



تحلیل

خطر قمرز استقلال

< رهبران ایران هیچ‌گاه عنادی با غرب نداشتند، بلکه رفتار غرب در قلمروهای سیاسی و امنیتی و تسلط‌طلبی آن‌ها همکاری‌ها را دچار بحران می‌کرد. وقتی غرب به جای احترام به انقلاب اسلامی دنبال مسئله‌سازی با ایران و بحران آفرینی داخلی و خارجی رفت، ملت ایران را به عکس‌العمل کشاند. ملتی که تازه از یوغ ستم شاه خارج شده بودند و تصمیم به ایجاد یک نظام مستقل داشتند تا ایران را آباد کنند، با حرکت تخریبی غرب مواجه شدند. توقّع آمریکا و غرب این بود که بار دیگر با شعاری دیگر استقلال ملت ایران را سرقت کنند؛ اینجا بود که با نهیب امام مواجه شدند. گاه می‌شنویم که چرا رهبر معظم انقلاب نسبت به آمریکا و غرب انذار می‌دهند که در مراودات خود مراقبت کنید. دلیل آن در تسلط‌طلبی غرب است؛ وگرنه رهبری چه در مراودات اقتصادی و علمی، مؤید کار با غرب و شرق بوده‌اند. اما وقتی آمریکا به انحاء مختلف اقتصاد، فرهنگ، سیاست، و یا از طریق قدرت نظامی که در این جنگ اخیر رخ نمود- دنبال استیلا بر ایران رفت، رهبر انقلاب با قدرت جلوی این حرکت ردیالانه ایستادند. رهبر انقلاب و ملت، با ایستادگی خود استقلال کشور را صیانت نمودند. < دکتر علی لاریجانی